

« هشتمین شرح از دعای ابوحمزه ثمالی »



گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است...

در این دعای سحر ابوحمزه ثمالی که از وجود مبارک امام سجاد سلام الله علیه نقل کرد منشاء اصلی دعا را معرفت می‌داند. و تداوم دعا را هم معرفت می‌داند. و ناامید نشدن هم مستند به معرفت است. عرض می‌کند:

"يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة."

ای پروردگاری که مغفرتات بی‌کران است و اگر بخواهی کسی را مورد تفتد قرار بدهی با کرامت تفتد می‌کنی.

باسطُ الیَدَینِ! گر چه خدا دست ندارد، ولی اگر کاری بکند و محبتی بکند مثل این که انسان دو دستی کاری را انجام بدهد این چنین می‌کند. این که فرمود: **يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ**، یدی او ندارد تا بسط کند. ولی اگر کسی خواست نسبت به دیگری عطائی کریمانه داشته باشد، دو دستی چیزی را به او عطا می‌کند. خدا اگر خواست بنده‌ای را بنوازد دو دستی به او احسان می‌کند. او **باسطُ الیَدَینِ** است. چنین بسطی که برای ذات اقدس إله بازگو شد، آنگاه عرض می‌کند :

"فَوِ عَزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْنَتْهُرَتِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ يَا سَيِّدِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ."

خدایا! تو اگر مرا برانی از دَرْت، ولی من دوباره برمی‌گردم .

به دلیل این که در دیگری نیست و من سراغ ندارم . انسان اگر به عجز خود پی ببرد، **اول**: بداند که موجود نیازمندی است و بداند توان رفع نیاز در اختیار خود او نیست، **دو** : حَلَّ رفع نیاز به عهده غیر او(خدا) هم نیست، **سوم**: تنها مبدائی که می‌تواند نیازهای او را برطرف بکند خداست، **چهارم** : و خدا هم اگر کسی او را بخواند اجابت می‌کند، **پنجم**: خوب چنین کسی یقیناً دعا می‌کند. لذا عرض می‌کند: خدایا! تو اگر مرا برانی و از فیض خاصات محروم بکنی، من ناامید نمی‌شوم . دوباره برمی‌گردم .

چون من می‌دانم راهی غیر از در خانه تو نیست دوباره برمی‌گردم. دلیلی ندارد که ناامید بشوم ، چون نیازمندم . و دلیلی ندارد که به غیر تو مراجعه کنم چون از آنها کاری ساخته نیست. و دلیلی ندارد که به تو مراجعه نکنم . چون تو سرانجام می‌پذیری و اگر چند لحظه طرد کردی حکیمانه است. بعد هم می‌پذیری .

"وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ ."

هر کاری را که بخواهی انجام دهی و هیچ قدرتی نیست که جلوی تو را بگیرد. چون هرچه در جهان امکان هست مصنوع توسست. و هرگز مصنوع بر صانع خود حاکم نیست.

"وَلَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تَنْزَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارِكُ فِي أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخُلُقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ."

عرض می‌کند: خدایا! تو از فعلات مسئول نیستی. برابر آیه سوره مبارکه انبیاء که فرمود: لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُونَ وَ مَا يُسْأَلُونَ. (1) سؤال گاهی در محور علل مادی یا سُوری است. سؤال می‌کنند: آیا فلان چیز از چی ساخته شد یا چگونه ساخته شد. ذات اقدس اله چون بدون الگو جهان را آفرید و حکیمانه هم آفرید نمی‌توان سؤال کرد که از کدام ماده عالم را آفرید. برای این که ماده‌ای در کار نبود و همه جزء منشآت اویند. صورت از پیش ساخته‌ای هم نبود تا خدا کارش را برابر آن صورت بسازد، زیرا خدا فاطر است و بلیغ و بدیع. و نوآور است و مورد سؤال هم قرار نمی‌گیرد. یعنی بازخواست هم نمی‌شود. زیرا آن قانونی که برابر آن قانون کسی بخواهد خدا را بازخواست کند، آن قانون هم ممکن است و مخلوق خداست. و هرگز مخلوق بر خالق حاکم نیست. هرگز نمی‌توان خدا را زیر سؤال برد، چون او کارهایش عین حکمت است. هرگز گزاف و جزاف در حریم کار او و در قلمرو صُنْع و خلقت او راه ندارد تا کسی بتواند دخالت بکند. هرگز جای سؤال نیست و در حقیقت سالیبه به انتفاع موضوع است.

اگر کسی بخواهد از جهت مبداء فاعلی و غائی سؤال کند، خدا که فاعل همه اهداف است، دیگر نه مبداء فاعلی فائق دارد، نه مبداء غائی فائق، لذا لَا يُسْأَلُ عَنْ مَا يَفْعَلُ. و مردمند که مورد سؤال قرار می‌گیرند. وَ هُمْ يُسْأَلُونَ. و هیچ کسی حق اعتراض ندارد برای این که همه برابر حکمت او آفریده شدند، لَكَ الْخُلُقُ وَالْأَمْرُ. (أمر) گرچه گاهی در قبال خلق است، به معنای عالم امر استعمال می‌شود، ولی در اینگونه از موارد معنای جامع را دارد. یعنی هم عالم امر در اختیار خداست مثل عالم خلق، هم تدبیر عالم امر و خلق در اختیار خداست، لَكَ الْخُلُقُ وَالْأَمْرُ. (أمر) یعنی تدبیر و اراده. همان طوری که اصل آفرینش در اختیار ذات اقدس اله است، تدبیر امور مخلوقات هم در اختیار خداست. او که منزّه از ضدّ است، مُبْرَأٌ از شریک است، منزّه از جزاف و گزاف است دلیلی ندارد که کسی به او اعتراض بکند. اصلاً او اعتراض پذیر نیست. چون این چنین است اگر کسی را براند برابر با حکمت می‌داند. لذا در این دعا امام سجاد عرض می‌کند: پروردگارا! من آن معرفتی که درباره تو دارم اگر يك بار یا ده بار مرا برانی، باز دوباره برمی‌گردم. برای این که آن علل و عوامل نیایش و دعا همچنان پیش من هست.

یعنی 1- انسان محتاج است، 2- خود قدرت ندارد نیازهای خود را برطرف کند، 3- غیر خدا توانمند نیست، مشکلات انسان را برآورده کن، 4- تنها مبدائی که توان حلّ نیاز انسان را دارد خداست، 5- خدا هم کارهایش برابر با حکمت است، 6- دلیلی ندارد که من ناامید بشوم و دعا نکنم و نخوانم و نخواهم یا به غیر خدا تکیه کنم.

در بخشی از دعاهای امام سجاد سلام الله علیه آمده است که: يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُ حُكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ. يَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حُكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ. یعنی پروردگارا! تو کارهای حکیمانه انجام می‌دهی.

حتی دعا که یکی از بهترین وسائل است بخواهد در تو اثر بکند که مسیر حرکت را عوض کنی، این چنین نیست. هیچ وسیله‌ای توان آن را ندارد که حکمت خدا را تغییر، تبدیل و مانند آن ایجاد کند. حکمت خدا با هیچ وسیله‌ای تغییرپذیر نیست. بنابراین کارهای او متن حکمت است. از این جهت که متن حکمت است دلیلی ندارد که من ناامید بشوم. آن گاه عرض می‌کند:

"يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مِنْ لَذِيكَ وَاسْتَجَارُ بِكَرَمِكَ وَ أَلْفِ إِحْسَانِكَ وَ نِعْمِكَ ."

پروردگارا! من در يك منزلتی هستم که هیچ پناهگاهی غیر از شما ندارم. فهمیدم که ملاذ و ملجاء شمائی. جود و گرم شما هم طوری نیست که در تنگنا قرار بگیرد. عفو تو در مدار بسته ای نیست. فضل تو محدود نیست. رحمت تو محدود نیست. رحمت تو کم نمی‌شود من تنها تکیه‌گاه قصور ما صَفْح قدیم و گذشت سابقه‌دار شماست.

و فضل عظیم و رحمت بی‌انتهای شماست. ما با چنین گمانی به درگاه شما آمدیم . ما را با خبر کنید؛ أَفْتَرَاكَ یعنی أَخْبَرْنَا یا رَبِّ تُخْلِفُ طُنُونَنَا . ما با این گمان آمدیم . شما هم که فرمودی: أَنَا إِنَّ ظَنَّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِى. من نزد گمان بنده‌ام هستم و گمان ما در این است که شما ردّ نمی‌کنی. آیا مایه خنثیت آمل ما می‌شوی ؟ هرگز این چنین نیست . کَلَّا . گمان ما این نیست که ما را ترك بکنی. طمع ما هم این نیست که شما انجام نگرفته ما را بیرون بکنی.

"إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا أَنْ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا عَصَيْنَاكَ وَ نَحْنُ نَرْجُوا أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقَّقَ رَجَاءَ نَا مَوْلَانَا."

پروردگارا! ما يك مانعی داریم که نمی‌گذارد به کرم تو راه پیدا کنیم و آن گناه است. خوب آن مانع را اول برطرف کن، گناهان را ببخش. ما يك تیرگی و تباهی در نهانمان داریم که نمی‌گذارد به حرم امن تو بار یابیم. خوب آن تیرگی را به صفا مبدل کن. آن شرطی که مفقود است حاصل کن. آن مانعی که موجود است برطرف کن تا ما لائق راه یافتن به بارگاه کَرَمَت بشویم . إِنْ شَاءَ اللَّهُ

پی‌نوشت:

سوره انبیاء / آیه 23-1-

برگرفته از سخنان آیت الله جوادی آملی